



فصل جدید گاندو

مجتبی امینی، تهیه‌کننده و مدیر تولید که تهیه‌کنندگی دو فصل از سریال پر حاشیه «گاندو» را برعهده داشت، روز پنجشنبه، ۱۴ تیرماه، یعنی یک روز مانده به دور دوم انتخابات چهاردهمین دوره ریاست جمهوری با نامزدی سعید جلیلی و مسعود پزشکیان در تویییتی نوشت: «اگر پزشکیان رأی بیارود احتمالاً با چند فصل جدید از سریال «گاندو» در خدمت ملت شریف ایران خواهیم بود و حرف‌های ناگفته جدیدی خواهیم زد. درباره فساد و نفوذ در جریان اصلاحات حرف‌های زنده زیاد است». این توییت او با واکنش‌های منفی گسترده‌ای مواجه شد. مجموعه تلویزیونی «گاندو»، با کارگردانی جواد افشار در ژانری سیاسی-امنیتی در دو فصل از ۱۵ خردادماه سال ۱۳۹۸ در شبکه سه سیما پخش شد. داستان این سریال به گفته سازندگان، براساس وقایع تاریخی معاصر از جمله حضور جاسوسان خارجی در ایران شکل گرفته بود و به موضوع آقا زاده‌های ایرانی نیز می‌پرداخت. در این مجموعه اسامی حقیقی با نام‌هایی مستعار جایگزین شدند، از جمله جیسون رضائیان به مایکل هاشمیان تغییر داده شد.



کارگردانان فرانسوی متهم به سوء استفاده جنسی

بنویت ژاکو و ژاک دولیون، با شکایت زودیت گذرش به ترتیب با اتهام تجاوز و تعرض جنسی بازداشت شدند. بنویت ژاکو و ژاک دولیون، کارگردانان مطرح فرانسوی هستند که در روز دوشنبه اول جولای برای بازجویی به علت شکایت زودیت گذرش، بازیگر و کارگردان فرانسوی مبنی بر مورد سوءاستفاده جنسی قرار گرفتن از جانب آن‌ها در دوران نوجوانی، بازداشت شدند. زودیت گذرش ۵۲ ساله گفت که ژاکو او را مجبور به ماندن در رابطه‌ای با او از سن ۱۴ تا ۲۱ سالگی اش کرده و دولیون نیز در زمان فیلمبرداری یکی از فیلم‌هایش به او تعرض جنسی کرده است. گذرش از زمان شکستن سکوت خود به یکی از صداهای پیشرو در جنبش می‌تو فرانسه تبدیل شده است. پس از درخواست او مبنی بر ایجاد یک نهاد ناظر بر سینما، مجلس در ماه مه به ایجاد کمیسویی برای بررسی خشونت جنسی و جنسیتی در صنعت فیلم و سایر بخش‌های فرهنگی رأی داد.



فیلم تازه‌ای از دیمین شزل

دیمین شزل، کارگردان و فیلمنامه‌نویس فرانسوی-آمریکایی که ساخت فیلم‌های «لالا لند»، «نخستین انسان» و «بایبلون» را در کارنامه خود دارد، در ماه اکتبر ساخت پروژه جدید خود را آغاز خواهد کرد. استودیو پارامونت پیکچرز اعلام کرد که آکران این فیلم در سال ۲۰۲۵ خواهد بود. نام و داستان این فیلم جدید هنوز مشخص نشده است، اما حرف‌هایی مبنی بر گذشتن داستان در فضای زندان به گوش می‌رسد. شزل ثابت کرده است که می‌تواند هر نوع فیلمی را کارگردانی کند؛ از فیلمی موزیکال مانند «لالا لند» که ۱۴ بار نامزد اسکار شد تا فیلمی زندگی‌نامه‌ای و هیجان‌انگیز مانند «نخستین انسان»، درباره اولین فرود روی ماه که نامزد اسکار برای فیلمنامه اقتباسی شد. او استعداد کارگردانی در ژانرهای متنوع را دارد و احتمالاً درامی در رابطه با زندان نیز طرفدارانش را هیجان‌زده خواهد کرد. البته آخرین فیلم شزل، «بایبلون» که با بودجه‌ای ۱۰۰ میلیون دلاری ساخته شده بود، با فروش ۶۳ میلیون دلار شکست تجاری خورد.



رضا صائمی
خبرنگار گروه فرهنگ

هفتمین جشن نوشتار سینمای ایران عصر سه‌شنبه ۱۲ تیرماه ۱۴۰۲ در ساختمان اصلی خانه سینما برگزار شد. شاید مهمترین رخداد سینمایی برای منتقدان سینما همین باشد. منتقدان و نویسندگان سینمایی در جشنواره‌های گوناگون فیلم به تماشا و داوری آثار سینمایی می‌پردازند، اما در این جشن خود آنها و آثارشان است که در کانون داوری قرار می‌گیرد. در واقع این جشن و مراسم، ستایش خود نقد و ضرورت و اهمیت آن است. وقتی نقد را از ج می‌نهمیم در واقع عقلانیت سینمایی را تقویت می‌کنیم که حاصل آن می‌تواند افزایش فرهنگ تحمل و نوآمان در جامعه

سینمایی باشد. اگر چه نقد فیلم بخشی از نقد زیبایی‌شناسی و در حوزه هنر قرار می‌گیرد و چه‌بسا به‌مثابه یک شغل و حرفه شناخته می‌شود، اما در نهایت می‌تواند از یک شغل به یک شأن تبدیل شود. به این معنا که ترویج هر شکلی از نقد هنری می‌تواند به تعمیق تفکر، اندیشیدن، گفت‌وگو و تعامل در جامعه کمک کند؛ به‌ویژه در جامعه هنری که به لوازم و التزام نقد به‌شدت نیاز دارد. ضمن اینکه خود نقد و جریان نقدنویسی هم به بازنگری و تجدیدنظر نیاز دارد. واقعیت این است که در یک دهه گذشته، شرایط نقد سینمایی در مطبوعات و رسانه‌های مادچار تشتت آراء و نابسامانی بوده و گویی هیچ مترمعیاری برای سنجش نقد وجود ندارد. چنان سره از ناسره غیرقابل تشخیص است که نمی‌توان غوره را از مویز تفکیک کرد! هرکس که خاطره‌ای یا احساس و نظری درباره فیلم دارد، خود را منتقد سینما می‌داند و کلیت نقد در حد یک سلیقه صرف شخصی تقلیل یافته است. البته سلیقه از لوازم و ماهیت نقد است و هیچ نقدی را نمی‌توان از سلیقه میرا دانست. نقد فیلم شاخه‌ای از نقد

نقدها را بود آیا که عیاری گیرند؟

خوانشی از هفتمین جشن نوشتار سینمای ایران



هنری است و هنر، یک ساحت زیبایی‌شناختی است که سلیقه در آن نقش مهمی دارد. این سلیقه اما یک شرط دارد و آن هم منطق است. نقد یک نوع تأویل زیبایی‌شناختی است و مبتنی بر سلیقه اما این سلیقه باید ساختارمند بوده و منطق داشته باشد. اما متأسفانه آنچه امروزه در نقد سینمایی به‌ویژه در سایت‌های سینمایی دیده می‌شود، یک نوع آشفتگی عجیب در نقدنویسی است که به هیچ اصول و معیاری وابسته نبوده و سلیقه هم در آن فاقد منطق زیبایی‌شناختی است. در سال‌های اخیر به‌واسطه توسعه برنامه‌های تلویزیونی در حوزه نقد از جمله تولید برنامه «هفت» موجب شد تا افکار عمومی به‌ویژه نسل جوان توجه بیشتری به این مقوله داشته باشند، اما انگار بسط رسانه‌ای «نقد فیلم» موجب عوام‌زدگی نقد شده و آن را از یک امر تخصصی به یک مد و ژست اجتماعی بدل کرده است؛ منزلی که حالا چند سالی است دچار خدشه شده و این بی‌ارتباط با توسعه فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی نیست. گسترش رسانه‌ای، موجب عوام‌زدگی نقد فیلم شده و آن را از یک امر تخصصی، به یک مد و ژست اجتماعی بدل کرده است. به‌قول یکی از کارگردان‌ها، همه مردم دنیا دو تا شغل دارند؛ یکی شغل خودشان و دیگری منتقد سینما. بر همین اساس جامعه منتقدان سینمایی باید به تمهیداتی برای انسجام، تخصص و هویت‌بخشی به این صنف بیاندیشند و خود نقد را هم نقد کنند که به‌قول شاعر، نقدها را بُود آیا که عیاری گیرند. ازسوی دیگر در یک دهه گذشته هم شاهد رشد نقدهای میان‌رشته‌ای در حوزه سینما بودیم، هم ظهور منتقدان جوان و باسوادی که با تولید متن‌های بینارشته‌ای در حوزه سینما، آثار متفاوت و قابل تأملی در نقدنویسی تولید کرده‌اند.

یک بیانیه منتقدانه

در بیانیه هیئت‌داوران هفتمین جشن نوشتار سینمای ایران هم به این نکته‌ها اشاره شده است. خود این بیانیه می‌تواند شماییلی از وضعیت نقد و نقدنویسی را با توجه به آثاری که در این دوره، داوری شدند ترسیم کند. در متن این بیانیه آمده است: «نشریه‌های سینمایی در کشور مان هم‌پا با پیدایش و گسترش تولیدی و کیفی سینمای ایران در دهه‌های گوناگون، یک روند دگرگون‌پذیر چشمگیر را از سر گذراندند. از یک‌سو سطح نگارش نقد و تحلیل‌های سینمایی را بالا بردند و ازسویی دیگر میان نسل‌های فیلم‌بین و سینمایی نویس، نویسندگانی را پرورش داده‌اند که به‌مرور زمان، نظرها و دیدگاه‌های شان نه در حوزه نقد سینمایی، بلکه میان خود سینماگران نیز جایگاه و اهمیتی ویژه پیدا کرده است. خوشبختانه در سال‌های اخیر، نوع نگاه به سینما و آثار سینمایی در جریان نگارش نقدها و تحلیل‌های سینمایی به اندازه‌ای رشد داشته که چندسالی است حتی پای مباحث میان‌رشته‌ای نیز به نقدهای سینمایی مان باز شده است. با وجود این، بستریابی بی‌کران که شبکه‌ها و فضاهای مجازی پدید آورده‌اند، شور و اشتیاقی افسارگسیخته را میان برخی نویسندگان جدید به وجود آورده است که البته همین بسترها باعث بی‌حوصلگی در بین سطرهای نوشته‌های نویسندگان شده است که این مهم در تعداد نه‌چندان کمی از آثار ارسالی به هفتمین جشن نوشتار سینمای ایران هم کاملاً مشهود بود و یک زنگ خطر جدی محسوب می‌شود. هیئت‌داوران هفتمین جشن نوشتار سینمای ایران با مطالعه و ارزیابی آثار ارسالی در بخش‌های ترجمه، گفت‌وگو، یادداشت و نقد کوشید با دقتی ویژه و بدون کوتاهی و اغماض، آثاری را- به‌عنوان نامزد و برنده- برگزیند که در هر یک از شاخه‌ها و حوزه‌های اشاره شده، به استانداردهایی که همگی مان می‌شناسیم و به آن‌ها پایبندیم، وفادار بوده و رعایت‌شان کرده‌اند. در این میان و با وجود ضعف‌های اشاره شده، بودند چند اثر خاص و ویژه که بیش از دیگران، نظر اعضای هیئت‌داوران را به خود جلب کردند. بی‌تردید بدون اغراق، سطح کیفی این چند یادداشت، مقاله و مطلب ترجمه‌شده و گفت‌وگوی منتشرشده حتی در مقام مقایسه با آثار نوشته‌شده در سال‌های اخیر نیز حرف‌هایی فراوان برای گفتن داشتند.»

خبرنگار سینمایی یا منتقد فیلم

از جمله آسیب‌هایی که سال‌هاست در حوزه نقد و نوشتار سینمایی با آن مواجهیم، عدم تفکیک بین خبرنگاری سینما و نقد فیلم است. این درهم‌تنیدگی و عدم تفکیک حرف‌های موجب شده تا همه مشاغل و موقعیت‌های حرفه‌ای در حوزه فعالیت رسانه‌ای یکی فرض شوند و هویت حرفه‌ای آن‌ها از هم منفک نشود. واقعیت این است که خبرنگاری از حیث تعریف آکادمیک و تخصصی به یک سری فعالیت‌ها و مأموریت‌هایی ناظر است که روزنامه‌نگاری یا حتی سردبیری و دبیرسرویس بودن و در حوزه سینما به‌ویژه با منتقد سینما بودن متفاوت است و هر کدام حیطة وظایف مشخصی دارند؛ اگر چه ممکن است همه آن‌ها زیر سقف یک رسانه خاص قرار گیرند و کارهایی مشابه انجام دهند. پیش از هر چیز باید اشاره کنم که تا کید بر تمایز حرفه‌ای و ماهوی این مشاغل یا وظایف به‌معنای برتری یکی بر دیگری نیست بلکه مسئله بر سر تمایز‌پذیری آن‌هاست تا خلط مبحث و در اینجا خلط مشاغل صورت نگیرد. خبرنگار سینمایی، فردی است که در حوزه سینما و مسائل پیرامونی آن دست به تولید و انتشار خبر می‌زند و صرفاً نقش انتقال‌دهنده خبر یا پیام را دارد، اما منتقد سینمایی یا منتقد فیلم کسی است که به‌طور مشخص و به‌شکل تخصصی به نقد و بررسی فیلم‌ها یا مسائل سینمایی می‌پردازد. در واقع کار خبرنگار سینمایی، اطلاع‌رسانی و گزارشگری است و کار منتقد، نقد و بررسی و تحلیل، به‌عبارت‌دیگر، خبرنگار به بازتاب و انعکاس رخداد‌های سینمایی می‌پردازد اما منتقد از منظر